

آموزش و آزمون

# منطق و فلسفه

ویرایش چهارم

(بر اساس کنکورهای دهه ی ۹۰ و کتاب های جدید فلسفه)

قابل استفاده ی:

دانش آموزان سال سوم و پیش دانشگاهی

رشته های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

**داوطلبان کنکور رشته ی علوم انسانی**

**مؤلف: اصغر حجازیان**



## به نام خدا

### مقدمه‌ی مؤلف

یکی از گرفتاری‌های جامعه‌ی بشری، «روزمِ رگی» و درگیر عقل معاش بودن است که در بستر چرخه‌ی پرشتاب مدرنیته و زندگی ماشینی، فرصت خوداندیشی و خردگرایی، بسیار محدود شده است، چیزی که شاید برای جوامع سنتی، امکان‌پذیرتر می‌نمود. برخی می‌پندارند فلسفه، کلی‌بافی از سر بی‌دردی است و نمی‌تواند زندگی بشر را رهنمودی باشد، در حالی که واقعیت تاریخی بشر همیشه گویای این پرسش بوده است که:

«از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم»

فلسفه، در یک کارکرد عمومی برای ما ایستگاه‌های تفکر را ایجاد می‌کند تا به فضل خدا بتوانیم به ساحل آرامش برسیم، قدر زندگی خود را بدانیم و برای کارها مصمم و هدفمند بوده تا درگیر محض زندگی عادی نباشیم و بتوانیم سمت و سوی زندگی را مشخص کرده و کیفیت آن را ارتقا بخشیم.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد ۱۱)

«رشد و توسعه» یکی از دغدغه‌های بزرگ بشر در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. فلسفه، مددکار انسان در حال رشد به سوی توسعه و بهینه‌سازی امکانات مادی و معنوی است تا به تکامل و پویایی جامعه خویش به طور عقلایی بپردازیم و درگیر تصمیمات آنی و عجولانه نشویم.

«عمر زاغ از بهر سرگین خوردن است» - «عقابها را با سرگین خواری چه کار؟»

به عبارت دیگر، فلسفه، تلاش ذهنی آدمی برای خروج از «اینک‌زدگی» و «تصمیم‌سازی برای آینده» است تا بتواند زندگی کند (در روزگار انسان تنها) و نقشه‌ی راه و سمت‌گیری حیات در دستان فلسفه است؛ حالا «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید».

اما کتاب‌های درسی منطق و فلسفه، فقط می‌تواند بهانه‌ای برای آغاز کندوکاو در مسیر منطق و تحقیق فلسفی باشد و هیچ وقت نمی‌تواند محتوای جامعی ارائه کند. آموزش منطق و فلسفه از سال تحصیلی ۱۳۵۲ در نظام آموزش و پرورش ایران شروع گردیده است.

کتاب «آموزش و آزمون منطق و فلسفه» (شامل آموزش جامع و خط به خط کتاب درسی، تبیین نکات کنکوری به شیوه‌ای نوین، همراه ۱۲۵۲ تست غیرتکراری) امیدواریم بتواند هم‌محتوای آموزشی کامل و هم مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای مناسبی در کنار کتاب درسی به دانش‌آموزان و همکاران آموزشی ارائه دهد. متأسفانه کتاب‌های درسی رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی، هر سال دستخوش نوسانات و تغییرات کلی و جزئی می‌شود و این امر انگیزه‌ی ناشران کتاب‌های کمک‌درسی را نیز کاهش می‌دهد. امید آنست که این نوسانات رو به بهبود رود، نه به پستی.

### «کنکورهای سراسری دهه‌ی ۹۰»

تیپ کنکورهای ۹۱ تا ۹۵ نشان می‌دهد که دیگر باید با تیپ تست‌های گذشته، خداحافظی کرد. چرا که از نظر شکلی و محتوایی، تغییر اساسی کرده است.

ویژگی این کنکورها در دو چیز است: ۱- تسلط علمی و فهم موضوع درس ۲- تسلط کامل بر روی متن کتاب درسی. بنابراین داوطلبان کنکور باید اول سعی کنند مطالب را به خوبی براساس کتاب حاضر درک کنند و سپس به متن خود کتاب درسی نیز مسلط شوند. برای تأمین هر دو هدف، ابتدا مجموعه آموزشی دسته‌بندی شده مناسبی به همراه پرسش‌های چهارگزینه‌ای هدفمند و آموزشی طراحی و تألیف شده است. به عبارت دیگر هر جای کتاب درسی می‌تواند مورد پرسش قرار گیرد.

نکته مهم این‌که، داوطلبان گرامی علاوه بر سه کتاب اصلی (منطق و فلسفه سال سوم و فلسفه پیش‌دانشگاهی) باید به کتاب «آموزش منطق» تألیف محسن غروی‌ان، انتشارات دارالعلم، هم نظری داشته باشند چراکه دانش‌آموزان علوم و معارف اسلامی، غیر از سه منبع یاد شده، از این کتاب در دوره پیش‌دانشگاهی بهره می‌برند که می‌تواند در کنکور مؤثر باشد به ویژه بخش صناعات خمس و اقسام مغالطه.

**آموزش و آزمون «منطق و فلسفه»**، مِهون لطف آقای یحیی دهقانی، مدیریت محترم مبتکران، رهنمودهای سازنده‌ی همکاران عزیزم، (در آموزش و پرورش - کلاس‌های کنکور) به ویژه خانم‌ها دکتر حمیده فلاح و نرگس آموسی؛ آقایان مجتبی علی‌اکبر، محسن بهادر، دکتر محمد کریمی، دکتر رضا اکبری و محمد فخرالدین مرشدی و دقت‌نظر ویراستاری خانم‌ها: مریم مینایی، فاطمه حجازیان، کتایون نیرومند، شیرین روشنی، فائزه نامداری، فائزه اصغری، سارا یزدانی، نیکان پهلوان و آقایان: بردیا شیخ‌الاسلامی، حامد یدایی، امیرحسین قدیانی، داوود عرفانیان و کوشش همکاران واحد تولید، حروف‌چینی و طراحی جلد. به ویژه سرکار خانم‌ها سکینه مظاهری، سمیه آهنگر، سمانه ایمان‌فرد، مینا هرمزی، نسیم مرادی و آقای خدایار مبین که در اینجا از لطف همه‌ی این عزیزان، سپاسگزارم.

در پایان از معلمان فرهیخته، دانشجویان نکته‌سنج و همه‌ی اهل خرد خواهشمندم لغزش‌های احتمالی یا راهکارهای بهتر شدن این مجموعه یا هرگونه پیشنهاد خود را به شماره ۰۹۳۹۳۸۳۹۳۸۸ یا به آدرس الکترونیکی editor@mobtakeran.com ارائه دهید.

راستان رستگاران؛ شایستگان ماندگار

اصغر حجازیان

## فهرست مطالب

عنوان	شماره‌ی صفحه
<b>فلسفه‌ی اسلامی (سال چهارم / پیش‌دانشگاهی):</b>	
فصل اول: کلیات	۳
فصل دوم: روند آشنایی، تأسیس و تکامل فلسفه‌ی اسلامی	۲۲
فصل سوم: مبانی حکمت مشاء (۱)	۳۳
فصل چهارم: مبانی حکمت مشاء (۲)	۴۲
فصل پنجم: نمایندگان مکتب مشاء (۱) فارابی	۶۲
فصل ششم: نمایندگان مکتب مشاء (۲) ابن‌سینا	۷۰
فصل هفتم: افول حکمت مشاء	۸۴
فصل هشتم: حکمت اشراق	۹۰
فصل نهم: جریان‌های فکری عالم اسلام	۱۰۶
فصل دهم: صدر المتألهین	۱۱۳
فصل یازدهم: مبانی حکمت متعالیه	۱۱۹
فصل دوازدهم: حکمای معاصر	۱۳۰
فصل سیزدهم: حیات فرهنگی	۱۳۸
<b>منطق:</b>	
درس اول: انسان و تفکر	۱۴۵
درس دوم: چگونه تعریف می‌کنیم	۱۵۱
درس سوم: تعریف و دنیای مفاهیم	۱۶۳
درس چهارم: کلیات خمس (اقسام ذاتی و عرضی)	۱۷۶
درس پنجم: اقسام تعریف	۱۸۶
درس ششم و هفتم: قضیه و اقسام آن	۱۹۲
درس هشتم: احکام قضایای حملی	۲۰۴
درس نهم: استدلال (ترکیب قانون‌مند قضایا)	۲۱۶
درس دهم: اقسام قیاس	۲۲۴
درس یازدهم: ارزش قیاس	۲۳۸
درس دوازدهم و سیزدهم: محتوای استدلال و صناعات خمس	۲۴۴
عنوان	شماره‌ی صفحه
<b>فلسفه (سال سوم):</b>	
<b>بخش اول = معنا و قلمرو فلسفه</b>	
فصل اول: فلسفه چیست؟ (۱)	۲۶۲
فصل دوم: فلسفه چیست؟ (۲)	۲۷۲
فصل سوم: فلسفه چیست؟ (۳)	۲۷۹
<b>بخش دوم = نخستین فلاسفه بزرگ</b>	
فصل چهارم: آغاز فلسفه	۲۸۶
فصل پنجم: شهید راه حکمت (سقراط)	۲۹۶
فصل ششم: گوهرهای اصیل و جاودانه (افلاطون)	۳۱۰
فصل هفتم: علت‌های چهارگانه (ارسطو)	۳۲۲
<b>پیوست‌ها و جمع‌بندی:</b>	
- ترین‌ها	۳۳۴
- نخستین‌ها	۳۳۶
- شعرها و آیات	۳۳۷
- استادان / کتاب‌شناسی	۳۴۱
- تمثیل و تشبیه در مفاهیم فلسفی	۳۴۵
- نقل‌قول‌ها در فلسفه	۳۴۶
- جمع‌بندی موضوعی	۳۴۹
- پاسخ تمرینات کتاب فلسفه پیش	۳۵۷
- کنکور سراسری داخل کشور ۹۵	۳۷۷
- کنکور سراسری خارج از کشور ۹۵	۳۸۰
- کلید کنکور سراسری داخل و خارج کشور ۹۵	۳۸۳

# فلسفه‌ی اسلامی

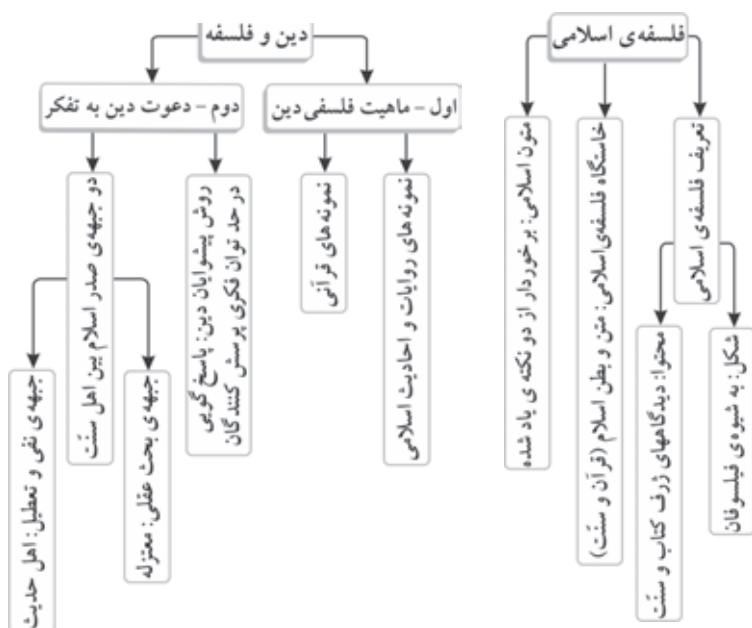
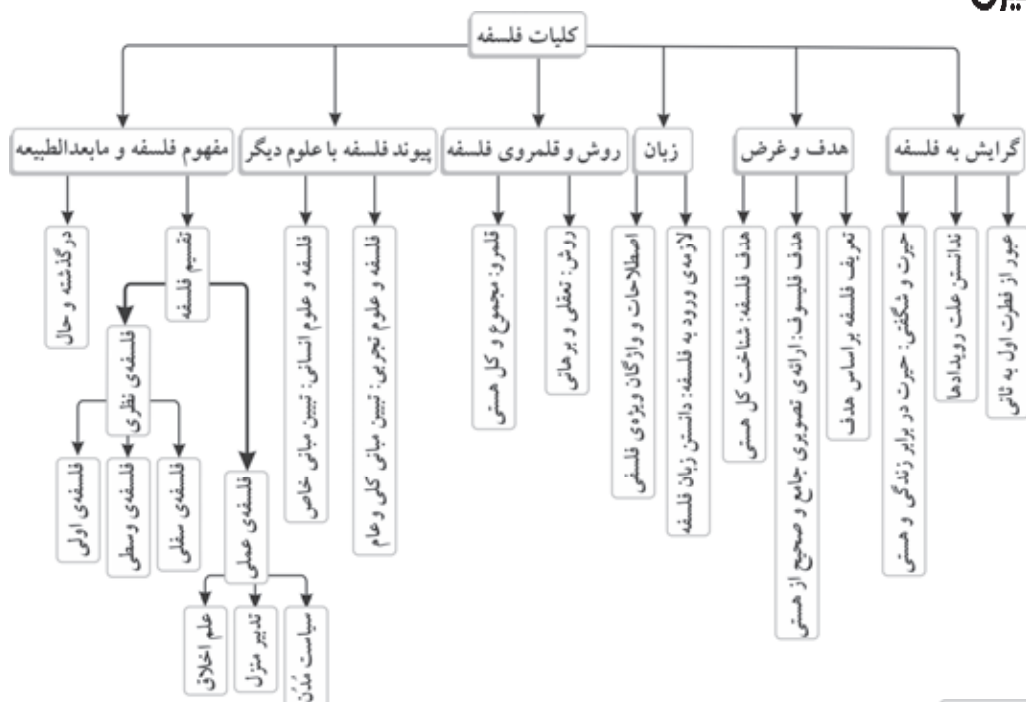
(سال چهارم / پیش‌دانشگاهی)



# فصل اول

## راهنمای یادگیری

### کلیات



## فلسفه و مابعدالطبیعه

- ۱- در گذشته، همه‌ی دانش‌های بشری را «فلسفه یا حکمت» می‌نامیدند و «فیلسوف» یا «حکیم» کسی بود که جامع همه‌ی علوم و دانش‌های زمان خویش بود.
- ۲- بنابراین در گذشته فلسفه، مجموعه‌ی علوم را شامل می‌شد (معنای شایع) و «مابعدالطبیعه یا فلسفه‌ی اولی» بخشی از فلسفه (فلسفه‌ی نظری) را تشکیل می‌داد (مانند توضیح فلسفه سوم). ولی امروزه با تخصصی شدن و استقلال علوم، فلسفه به همان مفهوم «مابعدالطبیعه» به کار می‌رود. (معنای غیرشایع) (مانند توضیح فلسفه پیش دانشگاهی)
- ۳- **تعریف فلسفه:** «علم به هستی» یا «هستی‌شناسی» است و به این اعتبار، آن را مابعدالطبیعه گویند: «علم به احوال موجودات از آن نظر که وجود و هستی دارند.» قلمروی اصلی فلسفه، پهنه‌ی بی‌پایان هستی است.



**مابعدالطبیعه = فلسفه‌ی اولی = فلسفه‌ی علیا = متافیزیک = هستی‌شناسی = الهیات : شناخت امکان مطلق وجود**



### بیش‌تر بدانیم

وجه تسمیه (علت نام‌گذاری) مابعدالطبیعه: از آن‌جا که ارسطو در تألیفات و مباحث خود، فلسفه را پس از مباحث طبیعیات و فیزیک (علوم تجربی) آن زمان قرار داد به «متافیزیک» یا «مابعدالطبیعه» شهرت یافت.



- |   |   |
|---|---|
| <p>۱- تفاوت } با</p> <p>مابعدالطبیعه / متافیزیک }<br/>         (علم به کل هستی است اعم از طبیعت و ماورای طبیعت)</p> | <p>و وجود مطلق: وجود تمام و کامل / وجود همیشگی و دائم (فدا)</p> <p>مطلق و موهوم: فقط وجود / بود و نبود موهومات بدون هیچ قید و شرط (موهوم بماهو موهوم)</p> |
| <p>۲- تفاوت } با</p> <p>ماوراء الطبیعه / ترانس فیزیک }<br/>         (نوعی عالم، مرتبه و بخشی از هستی است.)</p>      | <p>ماوراء الطبیعه / ترانس فیزیک }<br/>         (عالم مجردات و موهومات غیرمادی است.)</p>   |

## پیوند فلسفه با دیگر علوم

### الف- فلسفه و علوم تجربی

فلسفه می‌کوشد تا کلی‌ترین اموری را که انسان با آن‌ها روبه‌روست، تبیین عقلانی کند: انسان در حوزه‌های علوم تجربی برای تبیین عقلانی مبانی کلی و پایه‌های اصلی این علوم، به فلسفه نیازمند است:

### مبانی کلی و فلسفی علوم تجربی

- ۱- اصل واقعیت داشتن جهان خارج
  - ۲- اصل قابل شناخت بودن جهان طبیعت
  - ۳- اصل علیت : تبعیت همه‌ی موجودات از اصل علیت
  - ۴- یکنواخت عمل کردن طبیعت
  - ۵- صحت و درستی روش تجربه و آزمایش
- در واقع این پرسش که چگونه و با تکیه بر کدام مبانی و روش‌ها می‌توان طبیعت را شناخت و به این شناسایی اعتماد کرد، به پاسخی قانع‌کننده نیاز دارد ← **انتظار** علوم تجربی از فلسفه

این اصول و مبانی غیرتجربی علوم تجربی، گرچه نقطه‌ای اتکای همه‌ی علوم به مساب می‌آیند، ولی فود در هیچ علم تجربی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. فلسفه، عهده‌دار تمقیق در این اصول عام و کلی علوم طبیعی است؛ فلسفه‌ی علوم تجربی



وظایف و خدمات فلسفه نسبت به علوم طبیعی

(۱) تحکیم مبانی عام و کلی علوم تجربی  
(۲) سخن از اعتبار و ارزش روش تجربی در شناخت طبیعت  
(۳) تعیین حدود توانایی روش تجربی

۱: عمیق، ژرف، باطنی و ریشه‌یاب	الف) نگاه:	* تفاوت‌های مابعدالطبیعه با علوم دیگر	
۲: سطحی و ظاهری			
۱: مجموع و کل هستی (و نه قسمت خاصی از آن)	ب) موضوع و قلمروی مطالعاتی:		۲
۲: جزئی و محدود (چهره‌ای خاص از موجودات)			
۱: تعللی و برهانی	پ) روش تحقیق:	۱	
۲: تجربی (مبتنی بر مشاهده و آزمایش)			

موضوع علوم دیگر: هر یک از علوم مختلف به مطالعه‌ی چهره‌ای خاص از موجودات می‌پردازد. مثلاً:

- ریاضیات ← با کمیت و مقدار اشیا
  - فیزیک ← با خواص ظاهری اشیا (حرکت و سکون، موضوع مکانیک در علم فیزیک است).
  - زمین‌شناسی ← با عوارض زمین و مواد تشکیل دهنده‌ی آن
  - زیست‌شناسی ← با حیات موجودات زنده
- در حالی که فلسفه با بود و نبود اشیا (موجودات) سروکار دارد و می‌خواهد احکام اشیا را از آن نظر که هستند و وجود دارند، کشف کند. یعنی یک سلسله مسایل درباره‌ی مطلق وجود (وجود بدون هیچ قید و شرط = موجود بما هو موجود)



«وجود و هستی» اساسی‌ترین مفهوم و مدار همه‌ی بحث‌های مابعدالطبیعه است.

چهره‌ی ظاهری اشیا	علوم تجربی	مطالعه‌ی	چهره‌ی باطنی اشیا	متافیزیک
خواص ظاهری اشیا	فیزیک		ثبات و تخییر موجودات	متافیزیک
مرکت و سکون اشیا	فیزیک			



ب- فلسفه و علوم انسانی

- فلسفه درباره‌ی مبانی خاص علوم انسانی به پژوهش می‌پردازد.
- رشته‌های مختلف علوم انسانی، هر یک بر نوعی بینش فلسفی نسبت به انسان متکی است.
- بر اساس دیدگاه‌های متفاوت فلسفی، مکاتب و روش‌های گوناگونی در علوم انسانی پدید می‌آید.
- اساس نظریات دانشمندان علوم انسانی، مبتنی بر ماهیت و حقیقت «انسان» استوار است.

## ➤ روش و قلمروی مابعدالطبیعه

قلمرو مابعدالطبیعه، مجموع هستی است، نه بخش و قسمت خاصی از آن. هر جا که موجودی باشد، مابعدالطبیعه حرفی برای گفتن دارد. فلسفه در شناخت هستی موجودات تا آن‌جا ریشه‌یابی می‌کند که به **وجود محض** برسد. فلسفه به قول افلاطون، سیر از عالم ظاهر به عالم **باطن** پدیدارهاست. یعنی می‌خواهد پرده از چهره‌ی ظاهری یک موجود (رنگ، شکل، اندازه و ...) کنار بزند و با واقعیت بر همه‌ی آن‌ها روبه‌رو شود.

مطالعه در چهره‌های ظاهری اشیاء : وظیفه‌ی علوم گوناگون و به روش تجربی است ولی مطالعه در عمق واقعیت اشیاء و چهره‌ی باطنی موجودات، وظیفه‌ی فلسفه و به روش تعقلی (عقل و برهان) است.



## ➤ زبان مابعدالطبیعه

- ۱- کار فیلسوف، از نظر **روش**، همانند خواننده‌ی کتاب است که در لابه‌لای واژگان و کلمات (به مثابه اشیا و موجودات)، به دنبال «معنا» (وجود و هستی) است و سرانجام از معنای **جزئیات** به معنای **کل** کتاب می‌رسد (**روش استقرایی**).
- ۲- فیلسوف فهم خود را از معانی و حقایق اشیا یا احکام و عوارض وجود آن‌ها در قالب زبان و ادبیات خاصی بیان می‌کند.
- ۳- نمونه‌هایی از این واژگان: وجود و ماهیت، جوهر و عرض، وجوب و امکان، حادث و قدیم، علت و معلول...
- ۴- شرط ورود به دانش مابعدالطبیعه، آشنایی با **زبان** و اصطلاحات آن است تا منظور فیلسوفان را از مباحث فلسفی بدانیم. (دروازه ورود به فلسفه)

## ➤ هدف و غرض مابعدالطبیعه

- ۱- **هدف فلسفه**، شناخت کل هستی و **هدف فیلسوف**، ارائه‌ی تصویری **جامع** و **صحیح** از جهان هستی (جهانی شود عقلانی) است.
- ۲- پرسش‌هایی که در فلسفه برای فیلسوف مطرح می‌شود: هستی از کجا آمده و به کجا روان است؟ هدف از خلقت چه بوده؟ چه چیزی واقعیت دارد؟ مبدا و مقصد جهان کجاست؟ آیا هستی نابود می‌شود؟ چه ارتباطی بین انسان و جهان است؟ به قول مولانا: «از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم»
- ۳- **تعریف فلسفه بر اساس هدفش**: «سیر و حرکت انسان، به صورتی که **جهانی شود عقلانی**، شبیه جهان عینی و خارجی»  
الحکمة هی صیرورة الانسان عالماً عقلياً مضاهياً للعالم العینی  
«هر آن‌کو زدانش برد توشه‌ای جهانی است بنشسته در گوشه‌ای»  
(شناخت و فهم جهان، آن‌گونه که هست)

## ➤ گرایش به فلسفه : با حیرت و شگفتی

- ۱- آدمی در لحظات حیرت در برابر هستی یا با حیرت در برابر زندگی، در آستانه‌ی تفکر فلسفی قرار می‌گیرد.
- ۲- هر چند منطق، مولود **بیم و نگرانی** آدمی است ولی، فلسفه، مولود **حیرت و شگفتی** انسان است.
- ۳- افلاطون می‌گوید: «فلسفه، منحصرأً با حیرت در برابر **هستی**، آغاز می‌گردد.» این در حالی است که بسیاری از مردم، درگیر زندگی روزمره و عادی خویش هستند و نسبت به امور پیرامون خویش، هیچ پرسش و دغدغه‌ی ذهنی ندارند.
- ۴- ارسطو می‌گوید: اعجاب و حیرت است که **نخستین اندیشمندان** و حتی **مردم امروزی** را به بحث‌های فلسفی کشانیده است.
- ۵- به نظر ارسطو، طلب فلسفه در گرو عبور از **فطرت اول** به **ثانی** است و بدون آن، فلسفه بی‌معنا و بی‌فایده به نظر می‌رسد.

**الف - فطرت اول:** زندگی روزمره که بر اساس عادت پیش می‌رود (عقل معاش، مقاصد همگانی مانند کسب مقام و ثروت، تشکیل خانواده، کسب مدارج دانشگاهی و ...)

**ب - فطرت ثانی:** همان «تفکر» است یعنی مرحله‌ای که انسان درگیر پرسش‌هایی می‌شود که ظاهراً سودی ندارد. ولی اقتضای ذات بشر بوده و درباره‌ی حقیقت وجود است و این فطرت انسان را به گوهر وجود خویش نزدیک می‌کند و موجب گسستن از روابط و مناسبات روزمره می‌شود. (عقل معاد)

**پ - لازمی عبور از فطرت اول به ثانی:** فارغ شدن از عقل معاش / دچار حیرت و شگفتی شدن / گسستن از مقاصد همگانی

«تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون      کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد  
جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی      غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد»

۱- نظریه‌ی فطرت اول و ثانی را ارسطو طرازی کرد ولی صدرالمتهلین آن را در کتاب «مبدأ و معاد» نقل کرده است.  
۲- آلبرت اینشتاین در کتاب «دنیایی که من می‌بینم» می‌گوید: «... انسانی که زندگی و میات دیگران و متی خودش را بی‌معنا و واهی می‌پندارد، نه تنها موجدی بدبخت است بلکه صلاصیت زندگی هم ندارد.»  
«عجز از ادراک ماهیت عمو      حالت عامه بود مطلق مگو»



## دین و فلسفه<sup>۱</sup>

در رویارویی با مسایل فلسفی (وجود، آغاز و انجام جهان و معنای حیات انسان) از دین، انتظار **دستگیری و ارشاد** داریم و در عارف وحی، مطالب فراوانی به طور **مستقیم و غیرمستقیم** به حقیقت و احوال وجود مربوط می‌شود. برای درک رابطه‌ی دین و فلسفه باید به دو نکته‌ی اساسی توجه کرد:

- الف - ماهیت فلسفی      ب - دعوت به تفکر
- ۱- دین، معنا و مفهوم فلسفی دارد: طرح‌مباحث وجودشناسی در معارف الهی، بیان مواضع **نظری** دین است  
۲- دین، زبان و اصطلاحات فلسفه را ندارد.  
۳- اختلاف در تعابیر و اصطلاحات، منکر ماهیت فلسفی دین نمی‌شود.
- الف - ماهیت فلسفی:**

امام خمینی در «تفسیر سوره‌ی ممد» می‌گوید: «... یک‌مطلب اگر به زبان‌های مختلف نیز گفته شود باز همان **مطلب** است.... فلاسفه به «علت و معلول و مبدأ و اثر» عرفا، همین معنا را به «ظاهر، مظهر و تجلی» تعبیر می‌کنند.»



- **حافظ** می‌گوید: «حسن روی تو به یک جلوه که در آینه  
- **قائمی** می‌گوید: «نسبت واجب به موجودات چون شمس است و ضوء  
این همه نقش در آئینه‌ی اوهام افتاد»  
نی به مانند بنا و نسبت بناستی»
- بحث درباره‌ی احوال وجود در هر جا و به هر زبانی که مطرح شود، به قلمرو فلسفه تعلق دارد و می‌توان آن را به شیوه‌ی فلسفی مطالعه کرد.

۱- در این که بین دین و فلسفه، رابطه‌ای هست یا نه؟ دیدگاه‌های هم مخالف و هم موافق وجود دارد. برخی مخالفان می‌گویند: دین، منشاء آسمانی و الهی دارد ولی فلسفه، منشاء زمینی و خاکی، لذا قابل جمع نیستند. برخی دیگر می‌گویند: فلسفه، ثمره‌ی اندیشه‌ی غرب است و نوعی تهاجم فرهنگی و تضعیف دین است. گروهی دیگر از مخالفان معتقدند: فلسفه، خوب است ولی کارکرد فلسفه را دین برعهده دارد و دیگر نیازی به فلسفه نیست.

## نمونه‌هایی از آیات درباره‌ی ماهیت فلسفی دین

(۱) سوره‌ی توحید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ»

(۲) آیات اول سوره‌ی حدید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»



۱- از **امام سجاد (ع)** درباره‌ی «تومید» پرسیدند. ایشان فرمودند: خداوند می‌داندست در آخرالزمان گروه‌هایی ژرف‌اندیش خواهند آمد، از این‌رو **سوره‌ی تومید و آیات اول سوره‌ی مدید** را فرستاد و هر کس سغنی غیر از آنها بگوید هلاک شود.

۲- مطالعات دقیق فلسفی و عرفانی، مکما و عرفا را به این مقیقت رهنمون می‌شود که آیات سوره‌ی تومید و آیات اول سوره‌ی مدید، **عالی‌ترین مرتبه‌ی تومید و معرفت** هستند.

۳- صدرالمتألهین در **شرح اصول کافی** می‌گوید: «... در هنگام شروع به نوشتن تفسیر قرآن، نخستین بخشی که انتساب و به تفسیر آن پرداختم، سوره‌ی مبارکه‌ی **مدید** بود...»

## نمونه‌هایی از روایات اسلامی

۱- حضرت علی (ع) در حدود ۴۰ نوبت به مسایل وجود و مابعدالطبیعه در نهج‌البلاغه و دیگر آثار منقول خود پرداخته است.

۲- در خطبه‌ی اول نهج‌البلاغه، در باب معرفت به خداوند و مبدأ هستی می‌خوانیم: «... **آغاز دین**، معرفت و شناخت کردگار است و **کمال معرفت**، ایمان به ذات آفریدگار است. کمال **ایمان** در توحید اوست و کمال **توحید** در اخلاص به ساحت مقدس اوست و کمال **اخلاص** در **نفی** صفات زاید بر ذات اوست. زیرا هر صفتی غیر از موصوف و هر موصوفی غیر از صفتی است که بر آن عارض می‌شود. هر کس برای خداوند صفتی **زاید** قائل شود، او را **قرین و همدم** چیزی ساخته است و هر کس او را قرین چیزی بداند، او را **دو** چیز انگاشته یعنی برای او جزء و **بخش** قائل شده و... یعنی خدا را نشناخته است. **جاهل** به مقام ربوبی، به سوی او اشاره می‌کند و لذا او را **محدود** ساخته و خدا **منزه** از این نسبت‌هاست.»

از خطبه اول نهج‌البلاغه } دماخن: د ← م ← ا ← ت ← خ ← ن  
زقدبجم: ز ← ق ← د ← ب ← ج ← م

۳- تعریف حضرت علی (ع) از **موجودات برتر از عالم طبیعت (فرشتگان)** در «غُرر الحِکم و درر الکَلِم»: «موجودات **کاملی** هستند **عاری از ماده و قوه**، زیرا جملگی **مجردند و فعلیت تمام** دارند و در نهایت کمال ممکن‌اند. ذات باری بر آنها تجلی کرد، نورانی شدند و فیوضاتش را بر آنها افاضه نموده، به کمال ممکن رسیدند و در نتیجه **نمونه‌ی بارز خلقت و واسطه‌ی فیض آفرینش** شدند.» (ماده و قوه: استعداد برای تغییر و حرکت = از ویژگی موجودات طبیعت)

۴- فاطمه زهرا (س) در بلاغات النساء می‌فرماید: «... خدایی که دیدگان، او را دیدن نتوانند و گمان‌ها چونی و چگونگی او را ندانند، همه چیز را از هیچ پدید آورد و بی‌نمونه‌ای انشاء کرد؛ نه به آفرینش آنها نیازی داشت و نه از آن خلقت سودی برداشت، جز آن که **خواست تا قدرتش را آشکار سازد**.»

## ب) دعوت دین به تفکر

**هدف وحی** این بوده که نحوه‌ای نگرش نسبت به جهان هستی عرضه کند تا مسلمانان، با تدبیر، تفکر و الهام از آن، اندیشه و آگاهی خویش را تکامل بخشند و فرهنگ اسلامی را به اتکای این مبانی عمیق و استوار به رشد و بالندگی برسانند (و نه تقلید کورکورانه و تسلیم و سکوت در برابر اندیشه‌ها).

\* در صدر اسلام، میان عامّه (مسلمانان اهل سنت) دو جبهه‌ی مختلف در قبال تفکر و پرسش در دین پدید آمد:

#### الف) اهل حدیث: جبهه‌ی نفی و تعطیل تفکر

- ۱- اهل حدیث، هر گونه بحث، تعمق، تجزیه و تحلیل در مسایل مابعدالطبیعه‌ی دین را ناروا و بدعت می‌شمردند.
  - ۲- معلومات اهل حدیث، در حد نقل روایات و احادیث بود.
  - ۳- جمله‌ی منسوب به اهل حدیث: «الْكِفِيَةُ مَجْهُولَةٌ وَالسُّؤَالُ عَنْهُ بَدْعٌ»: «کیفیت، نامعلوم و استواء خداوند بر عرش، معلوم و اعتقاد به آن واجب و سؤال هم بدعت است».
- (در مقابل پرسش از این آیه مطرح شد: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»)
- ۴- به نظر یکی از فقهای جماعت: تفسیر این گونه آیات، تلاوت آن‌ها و سکوت درباره‌ی آن‌هاست.

#### ب) معتزله: پرچم‌دار بحث عقلی

- ۱= بحث عقلی در مباحث مابعدالطبیعه دین را، جایز می‌دانستند و به آن اهتمام می‌ورزیدند.
- ۲- گروه معتزله به شیعه نزدیک‌تر و کم و بیش از عقل فلسفی و استدلالی بهره‌مند بودند.
- ۳- معتزله در برابر موج مخالف، مقاومت نکرده و سرانجام تقریباً منقرض شدند.

### روشن‌پشویان دین

وقتی به سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) مراجعه می‌کنیم، هرگز به پاسخ‌های تحکم‌آمیز و سربالا، بر نمی‌خوریم و ایشان هیچ پرسشی را محکوم نمی‌کردند و بدعت نمی‌شمردند و پاسخ‌هایی در حد توان فکری پرسش‌کننده، بیان می‌کرده‌اند. علامه طباطبایی در «المیزان» می‌فرماید: «عقل برخلاف نظر اکثر پیشینیان از عامّه (اهل سنت) حکم می‌کند و کتاب و سنت نیز آنان را تأیید نمی‌کند. آیات قرآن به شدت تمام به تدبیر، تعمق و کوشش در معرفت خداوند و آیات الهی از طریق **تفکر عقلی** دعوت می‌کند و روایات **متواتر** نیز در همین معنا آمده است... دعوت به تذکر و تفکر برای معرفت است نه برای چیز دیگر.....»

در «تومید صدوق» و «اصول کافی» احادیث زیادی در این باره گردآوری شده است.

### فلسفه‌ی اسلامی

الف- متون اسلامی، هر دو نکته را دارد یعنی هم نوعی جهان‌شناسی خاص، سازگار و هم افق با معرفت فلسفی (ماهیت فلسفی دین) ارائه می‌دهد و هم بر تفکر و اندیشه اصرار دارد و تفکر را از **واجبات** شرعی می‌داند.

گرمه معارف دینی سرچشمه‌ی الهی دارند ولی به ذات فود، مهیای تبیین عقلانی و فلسفی هستند ولی برای توضیح و تفسیر آن‌ها می‌توان از مفاهیم فلسفی و زبان مابعدالطبیعه مدد گرفت.

ب- **خاستگاه** فلسفه‌ی اسلامی را باید در **متن و بطن** خود اسلام جست و جو کرد و نه در برخورد تاریخی با فلسفه‌های دیگر.

پ- **تعریف** فلسفه‌ی اسلامی: فلسفه‌ای که **محتوای اصلی** و ستون فقرات آن را دیدگاه‌های ژرف کتاب و سنت نسبت به جهان هستی تشکیل می‌دهد و شکل و چگونگی استدلال آن به شیوه‌ی فلاسفه است.

استفاده از بیان فیلسوفان در تفسیر دیدگاه‌های اسلامی، پس از ارتباط تاریخی و فرهنگی مسلمانان با مکیمان یونان میسر شد.

### تندیل !

تندیس قطره‌هایی است که تسلیم جاذبه نشدند.

تسلیم رنج‌های زمین نشو!

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای



## ۱- فلسفه می‌کوشد:

- (۱) کلی‌ترین امور طبیعت را به روش علمی تبیین عقلانی کند.
- (۲) کل جهان ماده را به روش فلسفی تبیین کند.
- (۳) دقیق‌ترین و جزئی‌ترین نقشه راه زندگی انسان را بیان کند.
- (۴) کلی‌ترین امور انسان را تبیین عقلانی کند.

## ۲- موارد زیر از خدمات فلسفه نسبت به علوم تجربی و طبیعی است، به جز ..... .

- (۱) تحکیم مبانی همه‌ی علوم
- (۲) بحث درباره‌ی اعتبار و ارزش روش تجربی در شناخت طبیعت
- (۳) تعیین حدود توانایی روش تجربی
- (۴) پیدایش مکاتب و روش‌های گوناگون

## ۳- تبیین مبانی ..... علوم ..... و مبانی ..... علوم، بر عهده‌ی فلسفه است و پیدایش مکتب‌ها و روش‌های گوناگون، ناشی از بینش فلسفی در حوزه‌ی ..... است.

- (۱) خاص، انسانی، عام و کلی، علوم طبیعی
- (۲) عام و کلی، تجربی، خاص، علوم انسانی
- (۳) خاص، انسانی، عام و کلی، علوم انسانی
- (۴) عام و کلی، انسانی، خاص، علوم طبیعی

## ۴- مطالعه‌ی «خواص ظاهری اشیا»، «چهره‌ی ظاهری اشیا» و «باطن و عمق واقعیت اشیا» به ترتیب بر عهده‌ی کدام علوم است؟

- (۱) علوم تجربی، علوم طبیعی، متافیزیک
- (۲) فیزیک، علوم تجربی، فلسفه
- (۳) علوم طبیعی، فیزیک، متافیزیک
- (۴) فیزیک، متافیزیک، فلسفه

## ۵- اساسی‌ترین مفهوم و مدار همه بحث‌های مابعدالطبیعی ..... و قلمرو مابعدالطبیعه، مجموع ..... است که روبه‌رو شدن با ..... می‌باشد.

(سراسری فارغ کشور ۸۸)

- (۱) وجود و ماهیت - هستی - واقعیت‌ها
- (۲) وجود - هستی - واقعیت‌ها
- (۳) وجود - کائنات - نمودها و ذوات
- (۴) وجود و ماهیت - کائنات - نمودها و ذوات

## ۶- اقتضای ذات بشر، همان تفکر است که برخاسته از فطرت ..... اوست و پیام این بیت: «تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون - کجا به‌کوی طریقت گذر توانی کرد» همان ..... است که عامل وصول به‌فطرت ..... می‌باشد.

(سنگش فروردین ۹۰)

- (۱) اول - عبور از عقل معاش - ثانی
- (۲) ثانی - عبور از عقل معاش - ثانی
- (۳) اول - طبیعت را وسیله‌ی فهم طریقت دانستن - اول
- (۴) ثانی - طبیعت را وسیله‌ی فهم طریقت دانستن - اول

(سراسری ۹۲)

## ۷- کدام عبارت در مورد فطرت ثانی درست نیست؟

- (۱) آدمی را از مناسبات زندگی هر روزه می‌گسلد و به تأمل در مورد آن‌ها وامی‌دارد.
- (۲) مسائلی برای انسان ایجاد می‌کند، که در نظر بسیاری از مردم فاقد اهمیت است.
- (۳) بدون کنار گذاشتن امور و مسائل روزمره‌ی زندگی، نمی‌توان به آن رسید.
- (۴) بیدار شدن آن در آدمی، حساب سود و زیان‌های مادی را درهم می‌ریزد.

(سنگش فرورد ۹۲)

## ۸- قلمرو، روش، زبان و هدف مابعدالطبیعه به ترتیب عبارتند از:

- (۱) مطلق وجود - تعقل - اشیا و موجودات از جهت هستی داشتن - شناخت جهان
- (۲) کل هستی - برهان عقلی - اصطلاحات خاص فلسفی - معرفت کل هستی
- (۳) کل هستی - مطالعه‌ی اشیا و موجودات - اصطلاحات فلسفی - نیل به تصویر جامعی از هستی
- (۴) وجود مطلق - تعقل - موجودات از آن جهت که کلمات الهی‌اند - رسیدن به یک تصویر جامع از هستی

۹- ما زندگی را، خود و دیگران را و همه چیز را آن‌گاه «طبیعی» می‌بینیم که ..... و حدوث ..... نخستین گام برای قرار گرفتن در آستانه‌ی ..... است.

(سئیش اردیبهشت ۹۱)

- ۱) از پشت حجاب عادت بنگریم - بهت و حیرت - تفکر فلسفی
  - ۲) پرده‌ی عادت را کناری نهیم - بهت و حیرت - تفکر فلسفی
  - ۳) از پشت حجاب عادت بنگریم - فقر و احتیاج - شناسایی و معرفت
  - ۴) پرده‌ی عادت را کناری بنهیم - فقر و احتیاج - شناسایی و معرفت
- ۱۰- چه رابطه‌ای بین مابعدالطبیعه و ماوراءالطبیعه برقرار است؟

- ۱) هر دو یکی هستند و به موجودات غیرمادی و مجرد می‌پردازند.
  - ۲) ماوراءالطبیعه، بخشی از عالم مابعدالطبیعه است که به موجودات از حیث وجود ذهنی می‌پردازد.
  - ۳) هیچ رابطه‌ای بین آن‌ها نیست و دو دانش کاملاً متفاوت هستند.
  - ۴) ماوراءالطبیعه، بخشی از حیطه‌ی مطالعاتی مابعدالطبیعه است.
- ۱۱- موضوع اصلی فلسفه ..... هستی است و به این اعتبار به آن ..... گویند یعنی شناخت احکام .....

- ۱) پهنه‌ی بی‌پایان - مابعدالطبیعه - مطلق وجود
- ۲) پهنه‌ی بی‌پایان - ماوراءالطبیعه - مطلق وجود
- ۳) حقیقت - مابعدالطبیعه - وجود مطلق
- ۴) حقیقت - ماوراءالطبیعه - وجود مطلق

۱۲- حیطه و قلمروی مابعدالطبیعه تا کجاست؟

- ۱) آنجا که قلاب پرسش، ذهن انسان را به خود مشغول دارد، مابعدالطبیعه هم حضور دارد.
- ۲) آنجا که پاسخ‌گویی به «چیستی» پیش آید، مابعدالطبیعه حضور خود را اعلام می‌دارد.
- ۳) قلمروی مابعدالطبیعه، تعقل و تفکر است و ابزار تعقل به پاسخ‌گویی مشکلات می‌پردازد.
- ۴) قلمروی مابعدالطبیعه، مجموع هستی است و هر جا «موجودی» حضور داشته باشد، حاضر است.

۱۳- فراغ از قید عقل معاش و پرداختن به پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که ابتلای انسان به حیرت و شگفتی را به دنبال دارد، در گرو ..... است و طرح سؤالات برخاسته از ..... می‌باشد.

(سراسری ۸۷)

- ۱) عبور از فطرت اول به فطرت ثانی، فطرت انسان که رو به سوی پرستش دارد.
- ۲) خروج از فطرت ثانی به فطرت اول، فطرت انسانی که رو به سوی پرستش دارد.
- ۳) خروج از فطرت ثانی به فطرت اول، اقتضای ذات بشر که موجودی متفکر است.
- ۴) عبور از فطرت اول به فطرت ثانی، اقتضای ذات بشر که موجودی متفکر است.

۱۴- از دقت‌در‌بیت: «جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی / غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد» کدام مفهوم، مستفاد می‌گردد؟ (سراسری ۸۵)

- ۱) لازمه‌ی صیانت از فطرت اول، تقید به تعقل و عقل معاش است.
- ۲) طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است.
- ۳) فطرت اول، بیدار نگه داشتن حالت جستجوگری در انسان است.
- ۴) فطرت ثانی، خروج از حد و مرز فطرت اول و زیر پا نهادن آن است.

۱۵- کار فیلسوف از حیث ..... به خواننده کتاب شبیه است که از استدلال ..... برای رسیدن به نتیجه و معنای نهایی بهره می‌برد.

- |                             |                            |
|-----------------------------|----------------------------|
| ۱) هدف و غرض - قیاسی        | ۲) زبان و اصطلاحات - قیاسی |
| ۳) موضوع و قلمرو - استقرایی | ۴) روش و ابزار - استقرایی  |

۱۶- زبان مابعدالطبیعه، استفاده از حروف، کلمات و جملات که همان ..... است می‌باشد و هدفش ..... است که.....

(سراسری ۸۹)

(۱) اشیاء و موجودات - به دست دادن تصویری جامع و صحیح از جهان هستی - جهانی شود عقلانی مشابه با جهان عینی.

(۲) اشیاء و موجودات - تفسیر و تعیین جایگاه هر موجود در زنجیره‌ی وجود - قادر به فهم جایگاه خود در آفرینش شود.

(۳) اوصاف ظاهری موجودات - تفسیر و تعیین جایگاه هر موجود در زنجیره‌ی وجود - جهانی شود عقلانی مشابه با جهان عینی.

(۴) اوصاف ظاهری موجودات - به دست دادن تصویری جامع و صحیح از جهان هستی - قادر به فهم جایگاه خود در آفرینش شود.

۱۷- شناخت اشیا فقط از آن جهت که «هستی دارند» موسوم به ..... است که مرتبه‌ای از هستی و علم به هستی در حالت کلی

(سنجش فروردین ۹۱)

به ترتیب .... و ..... را معلوم می‌دارد.

(۱) ماوراء الطبیعه - ماوراء الطبیعه - مابعدالطبیعه

(۲) مابعدالطبیعه - مابعدالطبیعه - ماوراء الطبیعه

(۳) مابعدالطبیعه - ماوراء الطبیعه - مابعدالطبیعه

(۴) ماوراء الطبیعه - مابعدالطبیعه - ماوراء الطبیعه

۱۸- نخستین گام ورود به آستانه‌ی تفکر فلسفی ..... است و این گام هرگز محقق نمی‌شود جز با ..... و بیت:

«هرآن‌کاو زدانش برد توشه‌ای / جهانی است بنشسته در گوشه‌ای» مبین ..... مابعدالطبیعه است. (سراسری خارج کشور ۸۹)

(۱) گرفتار آمدن به حیرت در برابر هستی - گذر از فطرت اول به فطرت ثانی - هدف

(۲) احساس نیاز به معرفت و شناخت - گذر از فطرت اول به فطرت ثانی - هدف

(۳) گرفتار آمدن به حیرت در برابر هستی - توجه به ذات جستجوگر تشنه‌ی معرفت - موضوع

(۴) احساس نیاز به معرفت و شناخت - توجه به ذات جستجوگر تشنه‌ی معرفت - موضوع

۱۹- عبارت «صیرورة الانسان عالماً عقلياً مضاهياً للعالم العینی» بیانگر ..... است که آغازگر آن به بیان افلاطون ..... می‌باشد.

(سراسری خارج کشور ۸۵)

(۱) نهایت علوم - حیرت در برابر هستی و گرفتار آمدن به بُهت

(۲) نهایت علوم - چشم‌پوشی از سایه‌های منقش بر دیوار

(۳) هدف مابعد الطبیعه - چشم‌پوشی از سایه‌های منقش بر دیوار غار وجود

(۴) هدف مابعد الطبیعه - حیرت در برابر هستی و گرفتار آمدن به بُهت

۲۰- ابتدای ورود به دانش مابعدالطبیعه چه باید کرد؟ فیلسوف با چه ابزاری از اوصاف ظاهری اشیا گذشته و به عمق آن‌ها

می‌رسد؟

(۱) به مقام فهم مفاهیم و اصطلاحات فلسفی نائل شویم - چشم‌تیزبین

(۲) با قدم عقل و برهان عقلی به کاوش بپردازیم - چشم تیزبین

(۳) با قدم عقل و برهان عقلی به کاوش بپردازیم - قوه‌ی عقل

(۴) به مقام فهم مفاهیم و اصطلاحات فلسفی نائل شویم - قوه‌ی عقل

۲۱- دستیابی به «وجود محض» ..... مابعدالطبیعه است و طرح مفاهیمی همچون: وجوب و امکان، علت و معلول، حادث و

قدیم، جوهر و عرض، ..... مابعدالطبیعه است و آن‌جا که از سیر و حرکت انسان، تبدیل او را به جهانی عقلانی، مشابه

جهان عینی، بخواهیم، دست به دامان ..... مابعدالطبیعه شده‌ایم. (سراسری خارج کشور ۹۰)

(۱) زبان - زبان - هدف (۲) روش - زبان - هدف

(۳) زبان - روش - موضوع (۴) روش - روش - موضوع

۲۲- از بیت: «تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون کجا به گوی طریقت گذر توانی کرد»، کدام مورد را نمی‌توان نتیجه گرفت:

(سئیش اردیبهشت ۹۲)

- (۱) طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است.
- (۲) فطرت ثانی باعث می‌شود تا انسان به سوی درک و دریافت راز هستی برود.
- (۳) تا انسان از روابط و مناسبات عادی زندگی نگسلد، ارزش فلسفه را درک نخواهد کرد.
- (۴) بی‌اعتنایی به فلسفه باعث می‌شود که آدمی از فطرت اول به فطرت ثانی گذر نکند.

۲۳- مراد از مبانی فلسفی علوم طبیعی چیست؟

(سراسری ۸۰ و ۸۱)

- (۱) مبانی که علوم تجربی بر آن‌ها متکی است و در هر کدام از شاخه‌های علوم تجربی اختصاصاً قابل تحقیق‌اند.
- (۲) مبانی که متضمن صحت و درستی روش تجربه است و در حیطه‌ی علوم تجربی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.
- (۳) اصولی که علوم تجربی بر آن‌ها متکی است ولی در خود علوم تجربی این اصول غیرقابل تحقیق هستند.
- (۴) اصولی که علوم تجربی بر آن‌ها متکی است و در خود علوم تجربی هم آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲۴- ارج نهادن به بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل درباره‌ی مسائل مربوط به مبدأ و معاد و کتاب و جز آن و برعکس، به ترتیب، به رشد و رویش اندیشه‌ی ..... و ..... انجامید که بهره‌مند از عقل فلسفی و استدلالی، گروه ..... بودند.

(سئیش اردیبهشت ۹۱)

- (۱) اشاعره - معتزله - نخستین
- (۲) اشاعره - معتزله - دوم
- (۳) معتزله - اشاعره - نخستین
- (۴) معتزله - اشاعره - دوم

۲۵- معارف دینی و مبتنی بر وحی الهی، سرچشمه‌ی آسمانی دارند و از طریقی غیر از تفکر بشر به دست ما رسیده‌اند و به ذات خود ..... تبیین عقلانی و فلسفی می‌باشند که خاستگاه فلسفه‌ی اسلامی ..... است.

(سئیش فروردین ۹۱)

- (۱) بی‌نیاز از - متن و بطن خود اسلام
- (۲) مهیای - متن و بطن خود اسلام
- (۳) موافقت اندیشه‌ی اسلامی با تعقل و تفکر
- (۴) بی‌نیاز از - موافقت اندیشه‌ی اسلامی با تعقل و تفکر

۲۶- از دقت در این عبارت از زبان امیرمؤمنان، علی‌علیه السلام که می‌فرماید: «صَوَّرَ عَارِيَةً عَنِ الْمَوَادِّ، خَالِيَةً عَنِ الْقُوَّةِ وَ الْأُسْتَعْدَادِ، تَجَلَّى لَهَا فَأُشْرِقَتْ وَ طَالَعَهَا فَتَلَأَتْ فَالْقَى فِي هَوَيْتِهَا مَثَالَهُ وَ أَظْهَرَ عَنْهَا أَعْمَالَهُ» مفهوم می‌گردد که ..... و واسطه‌ی فیض آفرینش، همان ..... هستند که منزّه از ..... .

(سئیش فروردین ۹۱)

- (۱) فرشتگان، موجودات عاری از ماده و قوه‌اند - فرشتگان - تغییر و تحول‌اند
- (۲) عالم عقول و ملکوت، محل تجلّی انوار الهی است - فرشتگان - تغییر و تحول‌اند
- (۳) فرشتگان، موجودات عاری از ماده و قوه‌اند - عقول - خطا و اشتباه‌اند
- (۴) عالم عقول و ملکوت، محل تجلّی انوار الهی است - عقول - خطا و اشتباه‌اند

۲۷- طرح مباحث وجودشناسی در معارف الهی ..... .

- (۱) به دگرگونی ماهیت آن مباحث نمی‌انجامد و بیانگر مواضع عملی دین درباره‌ی هستی است.
- (۲) به دگرگونی ماهیت آن مباحث می‌انجامد و بیانگر مواضع نظری دین درباره‌ی هستی است.
- (۳) به تعطیل اندیشه‌ی بشر در تفکر عمیق آن مسائل نمی‌انجامد و تفسیر فلسفی را می‌طلبد.
- (۴) به تعطیل اندیشه‌ی بشر در تفکر عمیق در آن مسائل می‌انجامد و تفسیر دینی می‌طلبد.

۲۸- کدام گزینه کاملاً بیانگر ویژگی‌ها و اوصاف موجودات برتر از عالم طبیعت (فرشتگان) است؟

- (۱) نمونه بارز خلقت، واسطه فیض آفرینش، عاری از ماده و فعلیت
- (۲) موجودات کامل، در نهایت کمال ممکنه، فاقد تغییر و تحول، جملگی مجرد
- (۳) موجودات کامل، در نهایت کمال ممکنه، عاری از ماده و فعلیت
- (۴) نمونه بارز خلقت، پیوستگی در معرض تغییر و تحول، برخوردار از فعلیت تمام

**۲۹- معارف دینی، سرچشمه آسمانی دارند و به ذات خود مهبای تبیین فلسفی ..... و استفاده از بیان فلاسفه در تفسیر دیدگاههای اسلامی، پس از ارتباط تاریخی و فرهنگی مسلمانان با ..... میسر گردید.**

(۱) نیستند - ایرانیان (۲) نیستند - حکیمان یونان

(۳) هستند - حکیمان ایران (۴) هستند - یونانیان

**۳۰- بیت «این همه عکس می و نقش و نگارین که نمود یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد» مبین چیست و به چه موضوعی اشاره دارد؟**

(۱) اختلاف در موضوعات مسایل فلسفی، دعوت به تفکر در دین

(۲) اتحاد در تعبیر مسائل فلسفی، دگرگون کردن ماهیت فلسفی دین

(۳) اختلاف تعبیر و چگونگی بیان مسایل فلسفی، دگرگون نکردن ماهیت فلسفی دین

(۴) اتحاد در موضوعات مسایل فلسفی، دگرگون نکردن ماهیت فلسفی دین

**۳۱- امام علی (ع) چهل نوبت در ..... به مسائل مابعدالطبیعه پرداخته و ..... به سبب قوه و ماده‌ای که دارند، پیوسته در معرض تغییر و تحول‌اند و از دیدگاه حضرت فاطمه(س) هدف خداوند از آفرینش، ..... بود.**

(۱) آثار منقول، موجودات طبیعت، آشکار ساختن قدرت خویش

(۲) نهج‌البلاغه، فرشتگان و ملائکه، ارائه‌ی الگوی نمونه از خلقت

(۳) آثار منقول، موجودات برتر از طبیعت، آشکار ساختن قدرت خویش

(۴) نهج‌البلاغه، موجودات طبیعت، ارائه‌ی الگوی نمونه از خلقت

**۳۲- انتظار ما از ....، در رویارویی با مسایل وجود، آغاز و انجام جهان، معنای حیات، ..... است.**

(۱) فلسفه - هستی‌شناسی فلسفی (۲) فلسفه - ارشاد و دستگیری

(۳) دین - هستی‌شناسی فلسفی (۴) دین - ارشاد و دستگیری

**۳۳- با توجه به جایگاه و موقعیت وحی که معارف سرچشمه‌ی آسمانی دارند و از طریقی غیر از تفکر بشر به دست ما رسیده‌اند، کدام عبارت، صحیح به نظر نمی‌رسد؟**

(سراسری ۸۷)

(۱) معارف دینی به ذات خود، مهبای تبیین عقلانی و فلسفی هستند.

(۲) خاستگاه فلسفه‌ی اسلامی را باید در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر، جست‌وجو کرد.

(۳) فلسفه‌ی اسلامی فلسفه‌ای است که محتوای اصلی و ستون فقرات آن را کتاب و سنت تشکیل می‌دهد.

(۴) امکان استفاده از بیان فلاسفه در تفسیر دیدگاه‌های اسلامی پس از ارتباط تاریخی و فرهنگی با حکمای یونان، فراهم شد.

**۳۴- از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی: «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» به ارتباط تنگاتنگ ..... که ماهیت ..... دارند و انسان را به ..... دعوت می‌کنند، پی می‌بریم.**

(سنجش)

(۱) دین و فلسفه - فلسفی - تفکر (۲) وحی و سنت - اعتقادی - تفکر

(۳) دین و فلسفه - فلسفی - سیر آفاقی و انفسی (۴) وحی و سنت - اعتقادی - سیر آفاقی و انفسی

**۳۵- کتاب‌های: «تفسیر سوره‌ی حمد»، «دنایای که من می‌بینم»، «مبداء و معاد» و «شرح اصول کافی» از چه کسانی است؟**

(۱) علامه‌ی طباطبایی، برتراند راسل، بوعلی‌سینا، شیخ کلینی (۲) امام خمینی، اینشتاین، بوعلی‌سینا، شیخ کلینی

(۳) علامه‌ی طباطبایی، برتراند راسل، صدرالمآلهین، صدرالمآلهین (۴) امام خمینی، اینشتاین، ملاصدرا، ملاصدرا

**۳۶- صدرالمآلهین برای پرداختن به تفسیر قرآن کریم به مشی فلسفی خود، آغاز کارش را از سوره‌ی ..... شروع کرد، زیرا:**

(سنجش اردیبهشت ۹۰)

(۱) حدید - بهره‌هایی را که از آیات آن می‌برد بیش از دیگر آیات بود.

(۲) حمد - بهره‌هایی را که از آیات آن می‌برد بیش از دیگر آیات بود.

(۳) حدید - عالی‌ترین مرتبه توحید و معرفت راه کمال انسانی است.

(۴) حمد - عالی‌ترین مرتبه توحید و معرفت راه کمال انسانی است.

۳۷- از دیدگاه امام علی(ع) و براساس خطبه اول نهج البلاغه، آغاز دین، کمال توحید و کمال ایمان (به ترتیب) کدامند؟

- (۱) معرفت کردگار، اخلاص به ساحت حق تعالی، توحید و یکتایی پروردگار
- (۲) شناخت کردگار، ایمان به ذات آفریدگار، نفی صفات زاید بر ذات الهی
- (۳) معرفت کردگار، ایمان به ذات آفریدگار، توحید و یکتایی پروردگار
- (۴) شناخت کردگار، اخلاص به ساحت حق تعالی، نفی صفات زاید بر ذات الهی

۳۸- آن دسته از مسلمانان که جبهه‌ی نفی و تعطیل را تشکیل می‌دادند و بحث، تعمق، تجزیه و تحلیل در موضوعاتی همچون

«الرحمن علی العرش استوی» را جایز نمی‌شمردند ..... بودند.

(سراسری خارج کشور ۸۸)

- (۱) اشاعره و معتزله
- (۲) اهل حدیث و معتزله
- (۳) اهل سنت و معتزله
- (۴) اهل سنت و اهل حدیث

۳۹- سؤال از مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی «الرحمن علی العرش استوی» و دریافت پاسخ با جمله‌هایی شبیه «الکیفیه المجهوله و

السؤال عنه بدعة» مشخص کننده‌ی موضع فکری ..... است.

(سراسری خارج کشور ۸۷)

- (۱) پذیرندگان جبر و محکومیت انسان در برابر اراده و مشیت قاهر خداوند متعال
- (۲) اهل حدیث مخالف با عقل و استدلال و تعمق در ماوراء ظواهر الفاظ کتاب و سنت
- (۳) گروه معتزله‌ی موافق با عقل و استدلال در ماوراء ظواهر الفاظ کتاب و سنت
- (۴) هواداران جبهه‌ی نفی و تعطیل و معتقد به تصویب آراء سابقین صحابه‌ی پیامبر(ص)

۴۰- براساس دیدگاه مخالفان بحث عقلی در دین، درباره‌ی آیه‌ی «الرحمن علی العرش استوی» به ترتیب چه چیزی معلوم و

چه چیزی نامعلوم است و چه امری بدعت شمرده می‌شود؟

- (۱) استوای خداوند، کیفیت استوا، پرسش
- (۲) قدرت خداوند، استوای خداوند، پرسش
- (۳) استوای خداوند، کیفیت استوا، نوآوری در دین
- (۴) قدرت خداوند، استوای خداوند، نوآوری در دین

۴۱- خاستگاه فلسفه‌ی اسلامی را باید در کجا جست‌وجو کرد و حرمت بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل در مسائل عقلی از سوی

چه کسانی از مسلمانان مطرح شد؟

(سراسری خارج کشور ۸۶)

- (۱) در متن و بطن خود اسلام - معتزله و اشاعره
  - (۲) در متن و بطن خود اسلام - اهل حدیث
  - (۳) در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر - اهل حدیث
  - (۴) در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر - معتزله و اشاعره
- ۴۲- جهان‌شناسی هم‌افق و سازگار با معرفت فلسفی و مصرّ بر تفکر و اندیشه، جهان‌شناسی ..... است و محتوای اصلی و

ستون فقرات فلسفه‌ی اسلامی، را دیدگاه ژرف ..... تشکیل می‌دهد.

(سنبلش ۸۵)

- (۱) توحیدی و مذهبی، بینش‌های فلسفی و استدلالی
  - (۲) تجربی عقلی، علمی و عقلی غیرقابل انکار
  - (۳) علمی تجربی، تجربه و آزمایش و به دنبال آن، استدلال
  - (۴) مبتنی بر وحی و سنت، کتاب و سنت نسبت به جهان هستی
- ۴۳- سیره‌ی نبوی و اهل بیت (ع) در برخورد با پرسش‌های فلسفی مراجعه‌کنندگان چگونه بود؟ دیدگاه علامه طباطبایی

نسبت به دیدگاه اکثر پیشینیان از عامّه، چگونه بود؟

- (۱) پاسخ‌های تحکم‌آمیز و سربالا می‌دادند - موافق
- (۲) پاسخ‌هایی در حد توان فکری پرسش‌کننده، بیان می‌کردند - مخالف
- (۳) پاسخ‌های تحکم‌آمیز و سربالا می‌دادند - مخالف
- (۴) پاسخ‌هایی در حد توان فکری پرسش‌کننده، بیان می‌کردند - موافق

۴۴- عبارت «..... خدایی که دیدگان او را دیدن نتوانند و گمان‌ها چونی و چگونگی او را ندانند، همه چیز را از هیچ پدید آورد و

بی‌نمونه‌ای انشاء کرد» از کیست؟

- (۱) حضرت فاطمه(س)
- (۲) امام علی(ع)
- (۳) امام سجاد(ع)
- (۴) امام صادق(ع)

۴۵- بر اساس نهج البلاغه از دیدگاه حضرت علی(ع)، جاهل چگونه خدا را محدود ساخته است؟

- (۱) هنگامی که خدا را قرین چیزی بدانند.
- (۲) هنگامی که به سوی خدا اشاره می‌کند.
- (۳) هرگاه برای خدا جزء و بخش قایل شده باشد.
- (۴) هنگامی که فقط تغییر و تحول طبیعت را ناشی از او می‌داند.

۴۶- عبارت «معنا ندارد که به مقدمه‌ای که مستلزم نتیجه‌ای است، امر شود، اما خود آن نتیجه ممنوع باشد» از کیست و درباره‌ی چیست؟

(۱) صدرالمتهلین، دعوت به عالی‌ترین مرتبه توحید و معرفت (۲) علامه طباطبایی، دعوت به تفکر و تفکر برای معرفت (۳) علامه طباطبایی، دعوت به عالی‌ترین مرتبه توحید و معرفت (۴) صدرالمتهلین، دعوت به تلاوت قرآن و سکوت درباره‌ی آن

۴۷- از امام سجاده (ع) درباره ..... پرسیدند، ایشان فرمود: «خداوند می‌دانست در آخرالزمان گروه‌های ژرف‌اندیش خواهند آمد، از این‌رو سوره ..... و آیات اول سوره ..... را فرستاد و هرکس سخنی غیر از این‌ها بگوید هلاک شده است.

(۱) توحید- توحید- حدید (۲) معرفت- توحید- جمعه (۳) معرفت- حمد- جمعه (۴) توحید- حمد- حدید

۴۸- علامه طباطبایی در ..... می‌فرماید: آیات قرآن به شدت تمام به تدبیر، تعمق و کوشش در معرفت خداوند و آیات الهی از طریق ..... دعوت می‌کند که آن برای ..... است.

(۱) اصول فلسفه و روش رئالیسم، تذکر و یادآوری، یادگیری (۲) المیزان، تذکر و تفکر عقل، معرفت (۳) اصول فلسفه و روش رئالیسم، تذکر و تفکر، معرفت (۴) المیزان، تذکر و یادآوری، یادگیری

۴۹- لازمه‌ی ورود به مابعدالطبیعه ..... است، مسائل آن به ..... مربوط می‌شوند و هدف آن ..... است. (سنجش آبان ۹۲)

(۱) کنار زدن حجاب عادت - مطلق وجود - شناخت کل هستی (۲) تبیین عقلانی اشیا - مطلق وجود - شناخت کل هستی (۳) از بین رفتن عقل معاش - مطلق وجود - درک قانون‌های طبیعت (۴) تبیین عقلانی اشیا - وجود مطلق - کسب تصویری جامع از جهان هستی

۵۰- در نظر فیلسوف، موجودات نسبت به هستی به منزله‌ی ..... (سراسری ۹۳)

(۱) حروف‌اند و هستی در حکم کلمات است. (۲) کلمات‌اند و هستی معنای آن‌هاست. (۳) خوانندگان یک کتاب به خود کتاب‌اند. (۴) جملات و معانی یک کتاب به کل کتاب‌اند.

۵۱- پیشروان جبهه‌ی تعطیل ..... نام داشتند و مطابق با سیره‌ی پیامبر و اهل بیت، ..... بدعت ..... (سنجش آبان ۹۲)

(۱) اشاعره - هیچ سوالی - نیست. (۲) اشاعره - بعضی سوالات - است. (۳) اهل حدیث - بعضی سوالات - است. (۴) اهل حدیث - هیچ سوالی - نیست.

۵۲- ماده‌ی فلسفه‌ی اسلامی را ..... و صورت آن را ..... تشکیل می‌دهد و برای توضیح معارف دینی، ..... از زبان مابعدالطبیعه کمک گرفت. (سنجش آبان ۹۲)

(۱) دیدگاه‌های ژرف دینی - براهین عقلی و فلسفی - باید (۲) معارف دینی - مفاهیم و اصطلاحات فلسفی - می‌توان (۳) مفاهیم فلسفی و عقلی - مفاهیم دینی - می‌توان (۴) مفاهیم فلسفی - معارف دینی - نمی‌توان

۵۳- به اعتقاد علامه طباطبایی در تفسیر المیزان: (سنجش بهمن ۹۲)

(۱) تعمق در ماورای ظواهر الفاظ کتاب و سنت، نوعی بدعت است که عقل آن را محکوم می‌کند. (۲) بحث در برخی از حقایق دینی و آیات روا نیست و علم آن‌ها را باید به خدا واگذار کرد. (۳) آیات قرآن به تدبیر در معرفت خدا دعوت می‌کند و دعوت به تذکر برای معرفت است. (۴) نظرات مردم در شرح آیات مختلف است، اما علم آن را باید به خدا واگذار کرد.

۵۴- «الکيفية مجهولة و السؤال عنه بدعة» جمله‌ی شایعی بود که ..... در پاسخ ..... مطرح می‌کرده‌اند. (سنجش اردیبهشت ۹۳)

(۱) معتزله - مخالفان (۲) اهل حدیث - مخالفان (۳) اهل حدیث - پرسش‌کنندگان (۴) معتزله - پرسش‌کنندگان

۵۵- اساسی‌ترین مدار بحث‌های مابعدالطبیعه چیست و مسائل آن دقیقاً کدام موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد؟ (سنجش فرورداد ۹۳)

(۱) ماهیت موجودات - مطلق وجود (۲) کنه اشیا - وجود مطلق (۳) وجود - مطلق وجود (۴) وجود - وجود مطلق